

دبیر کمیته کردستان محمد آستگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۷۲۴

ایسکرا

تلفن تماس با ما Tel: 0046720077654

۳ اردیبهشت ۱۳۹۳، ۲۳ آپریل ۲۰۱۴

سردبیر عبدال گلپریان

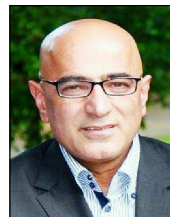
## بخش چهارم، میزگرد ایسکرا با نسان نودینیان، ناصر اصغری و عبدال گلپریان در مورد روز جهانی کارگر

مثلا از بازداشت و احضار فعالین کارگری گرفته تا دست زدن به اعدام فعالین سیاسی و اجتماعی در زندانها که قبلا حکم اعدام گرفته اند. پیشتر در سنندج دو رهبر کارگری شیث امانی و مظفر صالح نیا را احضار و از آنها خواسته بودند که در مورد اجرای طرح سوسیالدها نباید حرفی بزنند. چرا جمهوری اسلامی سیاست امنیتی - پلیسی را پیشه خود کرده و اساسا در سایر کشورها سیاست دولت ها در ارتباط با روز کارگر چگونه است؟  
صفحه ۳



**ایسکرا:** جمهوری اسلامی هر سال در آستانه روز جهانی کارگر و برای ایجاد فضای رعب و وحشت دست به اقدامات خشن می زند.

کارگری در شکل کنکرت به معنی کنکرت کردن مطالبات کارگری است. کارگران در یکسال گذشته بطور مداوم در میدان اعتراض با دولت و کارفرماها بوده اند. افزایش دستمزدها، پرداخت نکردن حقوق و مزایا از ۹ ماه تا سه ماه، بیکار سازی وسیع و گسترده عرصه های مداوم اعتراض کارگران در محیط های کار و پروژه های ساختمانی آن مطالبات پایه ای هستند که در قطعنامه های روز جهانی کارگر بشکل کنکرت اعلام میشود. در واقع بندهای اصلی قطعنامه های روز جهانی کارگر اندسته از مطالبات محوری از اعتراض  
صفحه ۲



نسان نودینیان

قطعنامه یا کیفیخواست کارگران در جنبش کارگری سنتی پایدار و جا افتاده است. در روز جهانی کارگر تهیه قطعنامه و اعلام علنی آن به جامعه امری شناخته شده است. اعلام علنی کیفیخواست

## با این قدرت می توان دنیای دیگری ساخت

گیرد. در نتیجه من لازم نمی بینم تا از تاریخ این روز و حرکت های رهایی بخش و جسورانه ای که باعث به ثبت رسیدن این روز شد اشاره کنم بر عکس به یکسری مسائل دیگر می پردازم که می

هر سال نوشته و مسائل متعدد بشماره بنسابت اول ماه مه و موضوعات این روز و وضع و حال طبقه کارگر در جهان منتشر و پخش می شود و از دیدگاههای مختلفی این روز مورد تجزیه و تحلیل قرار می



محمد امین کمانگر

صفحه ۲

## نگاه هفته: مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان / نسان نودینیان

نصراللهی به جرم دفاع از کارگران، بارها دستگیر و زندانی شده است اما هیچ وقت تسلیم بی عدالتی نشده و هر بار با قامتی افراشته، استوارتر به مبارزات جنبش طبقه کارگر خدمت کرده است. زندان و ضربات عاطفی و روحی نتوانسته عزم و اراده راسخ پدram را سست و خدشه دار کند.

**اطلاعیه شماره ۱۶ کمیته دفاع از کارگران دستگیر شده مهباد - (آزادی پدram نصراللهی - ضرب و شتم زندانیان سیاسی)**

پدram نصراللهی، فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی پس از تحمل ۱۹ ماه حبس، سرانجام روز شنبه ۱۳۰ فروردین ماه از زندان مرکزی شهر سنندج آزاد شد. آزادی پدram نصراللهی، این کارگر پیشرو و نام آشنای جنبش طبقه کارگر، با استقبال گرم و پر شور مردم سنندج مواجه شد. مردم با کف زدن های ممتد و حلقه های گل از مبارزات، جسارت و مقاومت های خستگی ناپذیر این فعال خوشنام جنبش کارگران و ستمدیگان قلدردانی کردند. پدram

ما اعضای "کمیته دفاع از کارگران دستگیر شده مهباد" به "پدram نصراللهی" ها و همه کسانی که در راه رهایی طبقه کارگر مبارزه کرده و می کنند، افتخار می کنیم و آزادی پدram را صمیمانه به خانواده او و جنبش طبقه کارگر، تبریک می گوئیم. ما تاکید می کنیم

صفحه ۶

## اعتصاب عمومی کارگران سد کولسه سردشت! اعتصاب کارگران شرکت ساختار صنعت پتروشیمی مهباد!

کارفرمایان ومجربان وعده داده شده بود و بی توجهی کارفرمایان ومسولان در نیروگاه سپاه سد سردشت صورت گرفته است.

اعتصاب زدند. اعتصاب این کارگران به علت پرداخت نکردن حقوق ماه های (۱۰-۱۱-۱۲) در سال ۱۳۹۲) و عدم دریافت عیدی سال ۹۳ که از قبل توسط

روز ۲۵ فروردین ۹۳ بیش از ۱۲۰۰ کارگر، کارمند و تمام رانندگان ماشین آلات سبک و سنگین نیروگاه کولسه واقع در شهرستان سردشت دست به

صفحه ۲

## فراخوان حزب کمونیست کارگری: حجاب اجباری را عملا الغاء کنیم!

صفحه ۵

صفحه ۴

به مناسبت اول ماه مه و یادی از کارگر کمونیست و سخنران اول ماه مه سال ۱۳۶۸ سنندج جمال چراغ ویسی!

صفحه ۵

ولی فقیه وارد گود شده است

صفحه ۸

به یاد دوست عزیزم، شمال عبداللهی معروف به، جمال سردشت

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ جایگاه قطعنامه کارگران ...

کارگران است که آنها در یکسال گذشته برای تحقق این مطالبات مبارزه و اعتراض کرده اند. عرصه اعتراض کارگران در یکسال گذشته محدود به مطالبات اقتصادی نبوده بلکه کارگران در دفاع و در مبارزه ای دائمی برای آزادی تشکل و بیان و حق برخورداری از جمع و اعتصاب بدور از فضای امنیتی و پلیسی بوده اند. در همین رابطه تعداد زیادی از فعالین کارگری دستگیر و به زندان انداخته شده اند. تلاش برای آزادی کارگران زندانی همچنین عرصه ای دائمی مبارزه کارگران و مردم و بویژه خانواده های آنها بوده است. آزادی کارگران زندانی نیز از

مطالبات دائمی و روزانه کارگران و خانواده های آنها است. در قطعنامه های روز کارگر تاکید بر آزادی کارگران زندانی و محکوم کردن اعمال پلیس سیاسی و امنیتی نهادهای اداره اطلاعات خواست سراسری کارگران در این روز است.

روز جهانی کارگر جشن کارگران و همسرنوشتی طبقاتی آنها با همدیگر در سطح بین المللی است. اعتراض کارگران در ایران برای آزادی تشکل و بیان برای بخشهای وسیعی از کارگران در سطح بین المللی خواستی آشنا است. در سه دهه گذشته جنبش کارگری در ایران و

فعالین کارگری در زندانهای جمهوری اسلامی مورد حمایت و پشتیبانی کارگران از جانب اتحادیه های بزرگ در سطح جهانی قرار گرفته اند. تاکید مجدد بر حمایتهای بین المللی در روز کارگر و حمایتهای محلی امری که در یکسال گذشته بخشهای وسیعی از کارگران در سطح سراسری در ایران فعلا نه پیش برده اند، ده ها اطلاعیه و اعتراض در حمایت کارگران زندانی را فرخوانده اند، ضروری و قطعا در دور آتی اعتراضات کارگران موثر و کارا خواهد بود.

دولت روحانی با ادامه سیاست هدمفندی یارانه ها کمپین «انصراف از یارانه» ها را تحت حمایت

بورژوازی، بخشهایی از هنرمندان و انجمن اسلامیها و کارمندان عالیرتبه راه انداخته است. جواب بیش از هفتاد میلیون از مردم در مقابله با حمله به حداقل معیشت «نه» بزرگ بود. این کمپین ضد انسانی توسط مردم ناکام شد. ده ها میلیون از مردم خواهان دریافت یارانه هستند، روز جهانی کارگر فرصت مناسبی است که دامنه اعتراضی این «نه» بزرگ توسط مردم را گسترش داد، جامعه را به اعتراضات وسیع علیه فقر و گرانی فرخواند. مردم در سطح ده ها میلیونی گامهای اساسی علیه سیاست ریاضت کشی و علیه کمپین کثیف و ارتجاعی دولت بجلو برداشته است. در کیفرخواست و

قطعنامه های کارگران این گامها از پیشروی و اعتراض را باید تبدیل به اتحاد و همبستگی طبقاتی کرد و بر ضرورت پیشرویهای بیشتر تاکید کرد.

در هر مراسم و جشن و گردهمایی که بمناسبت روز کارگر برگزار میشود، کیفرخواست و قطعنامه کارگران با مطالبات کنکرت آنها صادر شود. تعدد قطعنامه و خواست و مطالبات کارگری در ابعاد وسیع و ده ها مورد تاکید مجدد است بر امر مشترک و اعتراض مشترک کارگران در سطح سراسری.

زنده باد روز جهانی کارگر

## از صفحه ۱ با این قدرت می توان ...

تواند مشغله مداوم و هر روزه رهبران و فعالین طبقه کارگر باشد که بعضا کمتر به آن پرداخته می شود. آنهم اینکه، رهبران و فعالین این طبقه در قبال همبستگی و اتحاد کل جامعه چه وظیفه ای دارند که می تواند در دستور کارشان باشد؟

آنچه وظیفه رهبران و فعالین طبقه کارگر است سعی و کوشش برای وحدتی طبقاتی، انسانی و ایجاد وحدتی در چهار گوشه این کره زمین است. این طبقه از مشکلات طبقاتی خود، از ضعف و کمبودهای

خود، در گوشه و کنار جهان مثل یک طبقه واحد بخوبی آگاه و بدرجات زیادی روانشناسی بخش های مختلف خود را می شناسد اما کمتر به اتحاد جهانی مثل یک تن واحد بها داده است.

امروزه جهان بیش از هر زمان به یکدیگر همبسته و وابسته شده است. زندگی اجتماعی بشر توسعه و تکامل عظیمی پیدا کرده است و انسانهای منتسب به ملیتها و زبانها و مذاهب گوناگون دیگر در حصار تنگی نه تنها محدود نمانده و نیستند بلکه در تماس و ارتباط

مداوم با یکدیگر قرار دارند و اتحاد در بین مردم منتسب به ملل مختلف بیش از پیش محسوس و ممکن تر شده است.

اتحاد و همبستگی طبقه کارگر برای ابراز قدرت و شناساندن مسائل انسانی و طبقاتی این اکثریت ۹۹ درصدی ها، روح پاسخگویی به ضرورتهای عصر حاضر است. یکی از آموزشهایی که فعالین و رهبران این طبقه می توانند روی آن تاکید ورزند همانا کنار گذاشتن محدودنگری هایی است که مناسبات تفرقه افکنانه سرمایه داری حاکم بر کل جوامع در میان بخشهای مختلف نیروی کار کن

جامعه بوجود آورده است. بورژوازی مداوما راه بروز این تفرقه افکنی ها را هموار می کند. یکی از وظایف فعالین و رهبران طبقه کارگر حاشیه ای کردن آن در مبارزات جنبش کارگری است.

تلاش برای کنار زدن کینه توزی، دشمنی، جنگها و خون ریزیهایی که زائیده نظم سرمایه که برای بقای خود و تامین سود و سرمایه است یکی از این تلاشها است که با ایجاد اتحاد و همبستگی در صفوف کارگران و کل جامعه از میان برداشته شود. در حال حاضر زمینه های پرورده اتحاد از هر دورانی فراهم تر است. امروزه وظیفه کارگران آگاه و رهبران این

طبقه است که بعنوان صاحب کل جامعه ظاهر شده و این رسالت را تقویت کرده و گسترش دهند. خود را صاحب جهانی بشمارند که بدست پر توان آنان سوخت و ساز می کند. به یمن علم و پیشرفت تکنولوژی، جهان بهم وصل شده است و مقدمات این اتحاد، مقدمات این همبستگی را فراهم کرده است. اقتصاد دنیا با روابط و رشته های درهم تنیده اش قدرت تولید را در دستان نیروی کارکن قرار داده است. با این قدرت می توان دنیای دیگری ساخت.

۲۱ آوریل ۲۰۱۴

## از صفحه ۱ اعتصاب عمومی کارگران ...

نیروگاه کولسه یکی از مهمترین و بزرگترین نیروگاه های آبی ایران است. سود و سرمایه این نیروگاه در کنترل سپاه پاسداران قرار دارد. لازم به ذکر است که کارگران این سد از نقاط مختلف ایران هستند. علیرغم اینکه تا کنون صدای اعتراضی کارگران این نیروگاه منعکس نشده است اما این بار تمامی کارگران همراه با خانواده هایشان در این اعتصاب شرکت داشتند.

اعتصاب کارگران شرکت ساختار صنعت یکی از شرکت های

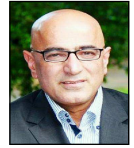
پیمانکاری پتروشیمی مهاباد! اعتصاب کارگران شرکت ساختار صنعت از شرکتهای پتروشیمی مهاباد در روز چهارشنبه ۲۷ فروردین در ساعت ۱ بعدظهر شروع شد. تعداد کارگران که بالغ بر ۲۰۰ نفر بودند در این اعتصاب شرکت داشتند. این اعتصاب در ارتباط با پرداخت نشدن دستمزد این کارگران در بهمن و اسفند ۹۲ و همچنین پرداخت نشدن سنوات وعیدی کارگران در سال جدید بود. کارگران با اعتراض به عدم پاسخگویی به خواستههایشان از محل شرکت تا ساختمان کارفرمای پتروشیمی

راهپیمایی کردند. بعد از تجمع در مقابل ساختمان شرکت، نماینده کارفرما نزد کارگران آمد و اعلام کرد که شنبه یا یکشنبه ۳۰ و ۳۱ فروردین دستمزد و کل پرداختی آنها واریز خواهد شد. تا دریافت این خبر در روز ۳۰ فروردین هنوز طلب کارگران واریز نشده است.

مرکز خبری کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران  
۳۰ فروردین ۹۳، ۱۹ آوریل ۲۰۱۴



## بخش چهارم، میزگرد ...



**فنان نودینیان:** امنیتی کردن و فضای نظامی-پلیسی در آستانه روز جهانی کارگر توسط دولت‌های سرکوبگر در ایران یا شیلی و ترکیه و ده‌ها کشور استبداد زده وجود دارد. روز جهانی کارگر روز صف آزایی طبقات متخاصم و اصلی جامعه است. "در این پیکار سترگ، دو جهان چهره به چهره یک دیگر می‌ایستند: جهان سرمایه و جهان کار؛ جهان استثمار و بردگی، و جهان برادری و برابری" (لنین-اول ماه مه) صف کارگران با کیف‌خواست طبقاتی و صف دولت و سرمایه داران با حمایت دستگاه سرکوب (پلیس، ارتش، دادگاه و قضات و زندان و دستگیری). "در یک سو، مشت‌تروتمند خون آشام قرار دارند. آن‌ها هستند که کارخانجات و مراکز تولیدی، ابزارها و ماشین آلات را تصرف و میلیون‌ها جریب زمین و کوه‌هایی از پول را تحت مالکیت خصوصی خود درآورده‌اند. آن‌ها حکومت و ارتش را به خدمتگزاران، سگ‌های پاسبان باوفای ثروت انباشته خود مبدل کرده‌اند.

در سوی دیگر، میلیون‌ها نفر از محرومان جای دارند. کسانی که مجبورند به مشت‌نوکیس پولدار التماس کنند تا به آن‌ها اجازه کار کردن بدهند. با کار آن‌هاست که این افراد تمام ثروت‌ها را خلق می‌کنند؛ با این حال خودشان باید در تمام طول زندگی برای خرده‌ای نان مبارزه کنند" این قاعده همیشه وجود داشته و فقط و فقط تحت تاثیر تناسب قوای طبقاتی-توده‌ای کارگران و مزدبگیران جامعه یکی بر دیگری غلبه کرده است. تلاش دولت و بورژواها مهار کردن مطالبات کارگران در روز کارگر است. در کشورهای اروپایی مهار و کاستن بار رادیکال‌شعار و مطالبات کارگران را اتحادیه‌های کارگری پیش می‌برند. با وجود محدودیت‌هایی که اتحادیه کارگری

ایجاد میکنند اما در مراکز تولیدی و کارخانه‌ها کارگران از اعمال قدرت برخوردار هستند و از کانال شوراهای کارخانه رابطه خود با کارفرماها و قراردادهای کار و دستمزد و ایمنی و امنیت شغلی و سلامتی و بیمه‌ها را نمایندگی میکنند. در اینجا وجود کارگر و تشکل و اعتراض و رژه و مارش کارگر و اعتصاب و تحصن حمایت میشود و تضمین شده است. معضل اصلی برای کارگران، مهار مطالبات رادیکال آنها توسط اتحادیه‌ها است. در ارتباط با موقعیت کارگران در ایران و البته کشورهای استبدادی رابطه کارگر با دولت و سرمایه داران، به لحاظ اقتصادی هم اکنون با تحمیل ریاضت کثی اقتصادی، دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و در شکل سیاسی سرکوب و محدودیت‌های اعتراضی خودنمایی میکند.

در ایران هر اعتصاب و اعتراض کارگری به دلیل نوع حاکمیت نظام سیاسی است. اعتصاب علیه دستمزدهای پرداخت نشده سیاسی میشود، محیط و محل اعتراض کارگران نظامی-پلیسی میشوند. به همین دلیل رژه و مارش روز جهانی کارگر هم سیاسی میشود. در قوانین موجود قانون کار روز کارگر در ردیف تعطیلات رسمی (و البته باید بارها به تکرار این دستاورد توسط جنبش کارگری اشاره کرد که تعطیل اعلام کردن روز کارگر با فشار اعتراضات کارگری در سالهای ۱۳۶۰ بعد با تحمیل به دولت «دولت دوره موسوی» برسمیت شناخته شد) است. روز کارگر تعطیل است. و کارگران میتوانند در این روز مارش و جشن و مراسم‌های خود را برگزار کنند. اما از آنجا که ترس و واژه بسیار زیادی از تجمع و مارش کارگران وجود دارد دولت و کارفرماها با همکاری تنگاتنگ "تشکلهای زرد" از جمله خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار مانع برگزاری مراسم مستقل و جشن کارگران و خانواده‌هایشان میشوند. اما، با وجود تمام محدودیت‌ها در سی سال گذشته کارگران برای برگزاری جشن و

مراسم و مارش روز کارگر تلاش‌های مثر و مفیدی را بسرانجام رسانده‌اند. در شهرهای کردستان علی‌رغم فشارهای پلیسی مراسم‌های روز کارگر در اشکال متنوعی برگزار شده‌اند.

امنیتی کردن فضای شهرها در آستانه روز کارگر و ۸ مارس (روز جهانی زن) از طرف جمهوری اسلامی تاکتیکی آشنا برای مردم در جامعه است. به نظر من روش‌های جمهوری اسلامی و امنیتی کردن فضای شهرها در عین حال ناکام شده است. امنیتی کردن شهرها و فضای بگیر و ببند آن تأثیراتی را که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در مرعوب کردن جامعه و فضای ترس و رعب داشت، ندارد. در ایران تحت حاکمیت نظام جمهوری اسلامی مبارزه عظیم کار علیه سرمایه، به بهای فداکاری‌های عظیم کارگران در جریان است. کارگران بهای حق برخورداری از یک زندگی بهتر و آزادی و تأمین معیشت را با اعتراضات مداوم و زندان و دستگیری، پرداخته‌اند. شاهرخ زمانی، ده‌ها نفر از کارگران در بند که در راه آرمان طبقه کارگر مبارزه می‌کنند، مورد اذیت و آزارهای بیشمار جمهوری اسلامی قرار می‌گیرند. مقاومت و عدم تمکین به خواست‌های ضد کارگری را اینها با این روحیات بالا و تعرض ناکام گذاشته‌اند و تسلیم نشده‌اند. مقاومت و ایستادگی شاهرخ زمانی و صدها کارگر معترض و انقلابی صفحه درخشانی را از اسم "مقاومت و ایستادگی" بجای "استیصال و تسلیم" در تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران و منطقه را به ثبت رسانده‌است. من امیدوارم امسال با وجود این همه اعتراض و ایستادگی توسط کارگران ما در شهرهای کردستان شاهد مراسم‌ها با شکوه در روز جهانی کارگر باشیم. زنده باد جشن و گردهمایی کارگران و خانواده‌هایشان، مارش و میتینگ‌های کارگران در ۱۱ اریب‌هشت.

**ایسکرا:** کارگران خواست‌ها و مطالبات زیادی برای طرح در روز جهانی کارگر دارند که در بخش‌های قبلی این میزگرد به مهم‌ترین آنها پرداختیم. اما هر سال شاهد طرح مطالبات اجتماعی بخش‌های محروم جامعه در سطحی وسیع‌تر و در

بیانیه‌ها و قطعنامه تشکل‌های کارگری بوده‌ایم که جنبش کارگری و تشکل‌هایش بدرست بعنوان صاحب جامعه و در دفاع از این خواست‌ها ظاهر شده‌اند. شما اگر بخواهید بر این خواست‌های عمومی و اجتماعی مردم تأکید مجددی داشته باشید این مطالبات را چگونه بر می‌شمارید؟



**ناصر اصغری:** همانطور که در جواب به سئوالات پیشین هم گفتم، تعدادی از مطالبات مطالبات همیشگی کارگران بوده و تا بحال بی‌جواب هم مانده‌اند که کارگران حتما باید آنها را باز هم مطالبه کنند. مثل افزایش دستمزدها طوری که یک زندگی انسانی را تأمین کند. بیمه بیکاری مکفی، امنیت شغلی، آزادی تشکل‌های مستقل کارگری و غیره. اما مطالباتی هستند که بقول شما مطالبات کل جامعه هستند و کارگران هم بعنوان رهبران و صاحبان این جامعه باید آنها را در روز جهانی کارگر مطالبه کنند. مثل آزادی بیان، آزادی پوشش، دفاع از محیط زیست، برابری کامل زنان و مردان، لغو حکم ضدانسانی اعدام، دفاع از حقوق انسانی سالمندان و کودکان، دفاع از حق آزادی و برابری کامل برای پناهندگانی که در ایران زندگی می‌کنند، نخواستن ماجراجویی‌های جنگی مثل تروریسم اسلامی و هسته‌ای که تحریم‌ها را به دنبال داشته، جدائی دین از دولت، اخراج پاسداران و آخوندها و دیگر پادوهای رژیم از مدارس و دانشگاه‌ها، آزادی کلیه زندانیان سیاسی، جدائی کامل دستگاه قضائی از دولت و آخوند جماعت. اینها صرفاً نکاتی نیستند که وقتی ما در بیانیه‌هایمان می‌آوریم بعنوان نکات تزئینی و یا لوکس و به اصطلاح چپ‌نشان دادن خودمان این کار را می‌کنیم. خیر. وقتی که جامعه‌ای آزاد داشته باشیم اول از همه کارگران از آزادی بیشتری برخوردار خواهند بود. وقتی که بتوانیم آزادی بیان را به دولتی تحمیل کنیم، کارگران امکان آزادی اعتصاب و تشکل و بیان و غیره را

می‌یابند. وقتی که سالمندان و بازنشستگان از یک زندگی انسانی شایسته برخوردار می‌شوند، کارگر بعنوان کسانی که آینده بازنشستگی در انتظارش است خیالش راحت می‌شود که اگر فردا سالمند و بازنشسته شد زندگی اش انسانی و تأمین خواهد بود. اگر آزادی پوشش در جامعه به رسمیت شناخته شد، کودکان مان فرصت می‌کنند شاد باشند و شاد بپوشند. وقتی که آخوند جماعت از مدارس گورشان را گم کند، کودکان ما مجبور نیستند که ترهات مذهبی یاد بگیرند. برابری زن و مرد، یعنی برابری همه انسانها در زندگی و در برابر قانون و غیره. یعنی عدم دست‌درازی به جان و آزادی زنان که در ایران زن اصلاً انسان بحساب نمی‌آید. دفاع از حقوق شهروندی پناهندگانی که در ایران زندگی می‌کنند، یعنی انسان صرفاً از اینکه کجا بدنیا آمده، صرف انسان بودنش باید برابر باشد و از هرگونه تعرض به امنیت و شان انسانی اش در امان باشد. لغو حکم اعدام یعنی دفاع از جان انسان و گرفتن حره ایجاد رعب و وحشت در جامعه از دولت.

اینها نکاتی هستند که کارگران عملاً و هر جایی که فرصت کرده‌اند خواهان آن بوده‌اند. در برابر دست‌درازی دولت به آزادی و رفاه، به سرکوب کارگران و زندانیان سیاسی مقاومت کرده‌اند. شما در چند سال گذشته هیچ بخشی از جامعه را نمی‌بینید که به اندازه جنبش کارگری و فعالان و نهادهای این جنبش از حقوق انسانی کودکان، زنان، سالمندان و کارگران افغانستانی دفاع کرده باشد. هیچ بخشی از جامعه را نمی‌بینید که در اعتراضات به اندازه اعتراضات کارگران خواهان عدم دست‌درازی رژیم به جان و مال و امنیت زنان، کودکان و کل جامعه بوده باشد. آنژی هسته‌ای "نخواست است. در برابر ماجراجویی جنگی رژیم، خواهان رسیدگی به رفاه کل جامعه بوده. در برابر کمک به تروریسم اسلامی در منطقه، خواهان رسیدگی به وضعیت جامعه بوده است. کارگران و رهبران کارگری امسال هم باید بعنوان رهبران کل جامعه و بعنوان آلت‌رناتیو این رژیم،

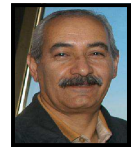
از صفحه ۳

## بخش چهارم، میزگرد...

مطالبات کل جامعه را مطرح کنند و جامعه را حول این مطالبات دور خود گرد آورند.

## ایسکرا: فضای عمومی جامعه

این تصویر را دارد منعکس می کند که امسال در روز جهانی کارگر مردم علی العموم توقع یک حرکت تعیین کننده را با حضور گسترده در خیابانها که بتواند نقطه عطفی در تحولات سیاسی جامعه رخ دهد را انتظار دارند. این توقع آیا بجا و درست است؟ در صورت عدم چنین تحولی آیا احساس ناامیدی در میان طیفهای مختلف از کارگر گرفته تا فعالین اجتماعی و مردم را در بر خواهد داشت؟



عبد گلبریان: وجود این فضا و گسترش رو به فزونی خشم و

نارضایتی عمومی مردم از اوضاع فلاکتباری که بهشان تحمیل شده است يك واقعیت است. جامعه تشنه رفاه، آزادی و برابری آنهم در جهنمی که حکومت اسلامی سرمایه برای مردم بوجود آورده است، در فکر خلاصی از شر اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه است.

این خواست ۹۹ درصد کل مردم است و مدام به این فکر می کنند که در يك روز معین و به مناسب و بهانه ای فرصتی فراهم گردد، وارد میدان شده و یکبار برای همیشه به این همه تباهی پایان دهند. التهاب و جوش و خروش مردم و امیدشان به اینکه در روز جهانی کارگر، کارگران و توده های میلیونی مردم به خیابانها بریزند و از این فرصت برای شروع کارزاری سیاسی اجتماعی استفاده لازم را بکنند، آرزوی قلبی آنان است. این توقع و این چشم انداز، آرمان و آرزوی کل جامعه است. جامعه ایران شبیه دیک سر بسته

پر از آبی است که درجه حرارت زیر این دیک آب به آخرین مرحله خود رسیده است و دیگر دارد به نقطه انفجار می رسد. در طول تاریخ مبارزات مردم علیه حکومتهای مستبد، استشارگر و دیکتاتور نیز مردم با استفاده از فرصتها و سرزنشگانهایی برای تعیین تکلیف با حکومت به میدان آمده اند. اگر فضای عمومی جامعه اینچنین به اوضاع می نگرند، شروع و سرآغاز چنین روزی می تواند روز جهانی کارگر، روز جهانی زن و یا تجمع و اعتراض مردم علیه اعدام و یا هر حرکت اعتراضی دیگری باشد و این آرزوی قلبی مردم است که در روز جهانی کارگر استارت آغاز سرنگونی این رژیم را بزنند.

منتها در صورت عدم چنین تحولی قرار نیست و نبوده که مردم احساس ناامیدی بکنند. برای وقوع یا عدم وقوع چنین تحولی، مبارزه فعالین و تشکلهای کارگری، فعالین و تشکلهای اجتماعی و اعتراض و مبارزه هر روزه مردم برای تحقق خواستها و مطالباتشان کماکان در

جریان است و بصورت تعطیل ناپذیر ادامه دارد. فعالین و تشکلهای کارگری و دیگر فعالین عرصه های مختلف اجتماعی این تصور را ندارند که اگر اتفاق زیر رو کننده ای رخ نداد گویا تلاشهایشان بی ثمر بوده است خیر. تاریخ مبارزات و اعتراضات هر روزه بخشهای مختلف مردم نیز در طی این ۳۵ سال حاکمیت اسلامی نشان داده است که ذره ای از تلاش و اعتراض برای بهبود وضع زندگیشان کوتاه نخواهند آمد و این تلاشها و این مبارزات درست در جهت تقویت مبارزه برای تعیین تکلیف نهایی و برای پایان دادن به اوضاع موجود است.

هیچ کسی این وعده را نداده است که اگر در روز جهانی کارگر تحول بنیادی زیر و رو کننده ای رخ ندهد پس دیگر کاری نمی شود کرد. این درک و تصویری سطحی و مقطعی از روند اوضاع و شرایط مبارزه در کل جامعه است. مهمترین امری که امروز تشکلهای فعالین کارگری و اجتماعی می توانند در جهت تحقق

اقدامات مهم و موثر در دستور خود قرار دهند این است که صفوف خود را متحد و متشکل سازند و با بسیج و سازماندهی گسترده توده ای و اجتماعی برای روز جهانی کارگر ظاهر شوند.

در سالهای قبل نیز تشکلهای فعالین کارگری برای حضور گسترده کارگران، خانواده های کارگری و کل مردم، و برای برافراشتن پرچم خواست و مطالبات خود و کل جامعه تمام تلاش خود را بکار گرفته اند. نهادها و ماموران حکومتی نیز تلاش کرده اند مانع از تجمعات و مراسمهای روز جهانی کارگر شوند اما همین تشکلهای فعالین کارگری، پر قدرت تر از هر زمانی به تلاش و مبارزه خود برای تحقق خواستها و مطالباتشان به میدان آمده اند. در يك جمله بگویم اگر قرار است تحرکی بنیادی را ایجاد کرد باید در فکر بسیج و سازماندهی گسترده، اجتماعی و توده ای برای روز جهانی کارگر بود. از این سر است که می توان به پیشرویهایی بزرگ دست یافت.

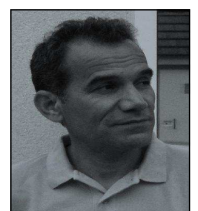
## به مناسبت اول ماه مه و یادی از کارگر کمونیست و سخنران اول ماه مه سال ۱۳۶۸ سنج جمال چراغ ویسی!

در راه رسیدن به اهدافش که همانا نابودی سرمایه داری و برقراری حکومت کارگری بود قهرمانانه جان باخت.

## رفقای کارگر!

حاکمیت اسلامی سرمایه تلاش کرد تحرك و سنتی را که جمال در حال پایه ریزی آن در جنبش کارگری بود از این جنبش و مبارزه طبقاتی کارگر بگیرد. اما این سنت میخ خود را کوبید و به رشد و تقویت خود ادامه داد. این جنبش امروز به خاری در چشم دشمنان طبقه کارگر تبدیل شده است. گسترش و تقویت این سنت در مبارزات کارگری در گرو اتحاد و همبستگی ما کارگران در اوضاع و شرایط کنونی است. این امر در روز جهانی کارگر و هر روز از اعتراضات کارگری، با ایستادگی در برابر یورش چماقداران و مرتجعین سرمایه، خانه کارگر و شورای های اسلامی کار و حفظ اتحاد و

ایران و عراق و برای بقای عمر ننگین سرمایه در ایران. لذا نیازمند این بودند به فعالین کارگری که در حال سازماندهی برای پیشبرد اهداف کارگری بودند تعرض کنند.



## مظفر فلاحی

بدنبال روز جهانی کارگر در سال ۱۳۶۸، مزدوران و ماموران رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران به جنبش کارگری کردستان و بخصوص اتحادیه صنعتگر سنندج یورش آورده و دهها تن از کارگران و رهبران این جنبش را دستگیر کردند. این یورش مزدوران و ماموران رژیم سرمایه داری در شرایطی و در زمانی اتفاق افتاد که جنبش کارگری در کردستان داشت پا می گرفت، وحشت بر پیکر حکومت اسلامی سایه انداخته بود و همزمان شد با نوشیدن جام زهر توسط خمینی برای جبران شکست در جنگ ارتجاعی

همبستگی مان میسر می گردد. پرهیز از مسائلی فرعی که به اتحاد طبقاتی ما ضربه میزند و معطوف شدن به این اتحاد طبقاتیمان ما را قادر خواهد ساخت که نوید بخش يك زندگی بهتر برای کارگران و زحمتکشان باشیم.

زننده باد یاد کارگر کمونیست جمال چراغ ویسی  
زننده باد همبستگی طبقاتی کارگران  
سه شنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۹۳

## سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما گذشته اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماما خالی شده است. سالها است شمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاد و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج دهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راه جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرنگون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!  
زننده باد سوسیالیسم!  
زننده باد حزب کمونیست کارگری!

## فراخوان حزب کمونیست کارگری: حجاب اجباری را عملاً الغاء کنیم!



در کوچه و خیابان و تجمعات عمومی، در مدرسه و دانشگاه، در کارخانه و ادارت و محل کار و در وسائل نقلیه عمومی و خصوصی بدون حجاب ظاهر شد. این کاملاً عملی است! تلاش و مقاومت فی الحال موجود علیه حجاب می‌تواند و باید ابعادی هرچه متنوع تر و اجتماعی تر بیاید و بخش‌های هرچه وسیعتری از توده‌های مردم را برای لغو حجاب اجباری و آزادی انتخاب پوشش فعالانه به میدان بکشد. گسترش تحرك و ابتکارات گوناگون بر علیه حجاب اجباری در تمامی عرصه‌ها و انعکاس آن در میدیای اجتماعی و رسمی، باید خواست الغای حجاب اجباری را به گفتمان مسلط سیاست ایران تبدیل کند. باید چنان فضای داخلی و جهانی در حمایت از مبارزه بر علیه حجاب اجباری بوجود آورد تا بتوان آخرین تلاش‌ها و مقاومت‌های جمهوری اسلامی برای حفظ حجاب را درهم شکست.

حزب کمونیست کارگری چون همیشه با تمام قوا همراه همه زنان و مردانی است که علیه حجاب مبارزه میکنند. حزب تلاش‌های وسیعی را در داخل و خارج از ایران در جهت گسترش مبارزه علیه حجاب و برای الغاء عملی حجاب اجباری در دستور میگذارد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۷ فروردین ۱۳۹۳، ۱۶ آوریل  
۲۰۱۴

نتیجه‌ای که از این تحول می‌توان و باید گرفت این است که اکنون زمان آن فرا رسیده که در مبارزه علیه حجاب اجباری جلوتر رفت و آنرا عملاً و اجتماعاً به تمامی ملغی کرد.

این شرایط جدید در مواجهه با حجاب تنها محصول مبارزه و مقاومت در برابر حجاب و یا سوخت و ساز جامعه ایران نیست. انقلابات سالهای اخیر در جهان و به میدان آمدن توده‌های وسیع بویژه نسل جدید برای تغییر اوضاع، تضعیف موقعیت بین‌المللی و منطقه‌ای اسلام سیاسی بطور اعم و جمهوری اسلامی بطور اخص، برآمدن نوبت در جنبش‌هایی زن که صریح تر و سازش‌ناپذیر بردگی جنسی، رفتارها و اخلاقیات مردسالارانه و بویژه قوانین زن ستیز اسلام و مشخصاً حجاب را در شکل اعتراض‌گریان مورد تعرض قرار داده، همه و همه از جمله عواملی هستند که شرایط مساعدتری برای الغاء عملی و نهایی حجاب اجباری در ایران را فراهم کرده است. با توجه به مجموعه این عوامل داخلی و جهانی است که حزب کمونیست کارگری همه زنان و مردان در ایران را فرامیخواند تا مبارزه فعال تر و گسترده تر برای الغاء عملی حجاب اجباری را در دستور قرار دهند.

اکنون زمان آن فرا رسیده است که حجاب را عملاً ملغی کنیم! باید در سطح هر چه وسیعتری در جامعه،

نیروی مخرب جمهوری اسلامی از دادگاه و پلیس و بازداشت و تهدیدهای نماز جمعه تا گرو گرفتن تحصیل و شغل مردم يك آن کنار برود، از آن چند سانت پارچه که به زحمت بر سر زنان و دختران نگه داشته اند، چیزی باقی نمی ماند. حتی کسانی که روزگاری با شعار "یا روسری یا توستری" پونز به سر زنان بی حجاب میزدند، یا آنانی که خود را فمینیست و اصلاح طلب و فعال حقوق زنان معرفی میکردند ولی میگفتند "حجاب چندان مهم نیست"، امروز از حجاب اجباری برائت میجویند و در بی بی سی علیه آن آیه و حدیث می آورند. قطب حجاب و اجبار در تمام سالهای سیاه جمهوری اسلامی منظم ریزش کرده

تاریخ جمهوری اسلامی در عین حال تاریخ کشمکش بر سر حجاب است. از تظاهرات زنان در اسفند ۵۷ تا همین امروز، در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی در ایران، از مدرسه، دانشگاه، اداره و کارخانه گرفته تا خیابان، اتوبوس، گردشگاه و ورزشگاه، از هنر و موسیقی گرفته تا فیسبوک و فضای مجازی، تلاش برای تحمیل حجاب اجباری و دولتی از یکسو، و مبارزه و مقاومت خستگی ناپذیر و مبتکرانه در برابر آن بطور روزمره جریان داشته است. در این مواجهه عظیم جمهوری اسلامی نبرد را اساساً باخته است. حجاب مثل روز اول همچنان يك اجبار است و بس. فرهنگ جامعه نیست، سمبل وحشیگری و اقتدار لرزان اسلام و حکومتش است. اگر

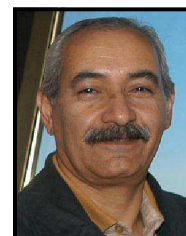
فصله گرفته شود". خامنه‌ای گفت: "با کدام منطق باید زنان که خداوند آنها را از لحاظ جسمی و عاطفی برای منطقه ویژه‌ای از زندگی آفریده است، در عرصه‌هایی وارد کنیم که آنها را دچار رنج و سختی می‌کند؟ او همچنین گفت: "نباید رشته‌های تحصیلی و مشاغل که متناسب با طبیعت الهی زنان نیست به آنان تحمیل شود".

## ولی فقیه وارد گود شده است

قرآن و قوانین جمهوری اسلامی در مورد زن نیست بلکه این سخنان امروز دیگر معنای سیاسی تری دارد. جامعه‌ای به تمام معنا ضد مذهب، ولی فقیه را به وحشت و هراس انداخته است. آنچه که خامنه‌ای از آن می‌نالند اکنون سالهاست زیر پوست شب جامعه در جریان است. اگر صدای حق برابر زن و مرد، حق استقلال اقتصادی، سهمیه برابر با مردان در رشته‌های تحصیلی و موقعیت اجتماعی خارج از چهارچوب خانواده بیش از اینها در کشور ظنین انداز شود آنگاه پایه‌های نظام فرو خواهد ریخت. این

فصله گرفته شود". خامنه‌ای گفت: "با کدام منطق باید زنان که خداوند آنها را از لحاظ جسمی و عاطفی برای منطقه ویژه‌ای از زندگی آفریده است، در عرصه‌هایی وارد کنیم که آنها را دچار رنج و سختی می‌کند؟ او همچنین گفت: "نباید رشته‌های تحصیلی و مشاغل که متناسب با طبیعت الهی زنان نیست به آنان تحمیل شود".

طبیعت الهی زن که در دنیای اسلام و قرآن فقط برای "منطقه ویژه" ای آفریده شده، تعاریفی از بردگی جنسی و تجاوز شرعی و اسلامی به زن است. این سخنان تنها ترجمه



عبدال گلپریان

علی خامنه‌ای روز ۳۰ فروردین در دیدار با "صدها نفر زن فرهیخته و نخبه" گفت: "برابری جنسی زن و مرد غلط است، مسئله زن جدا از خانواده نیست و باید از افکار غربی نظیر اشتغال و برابری جنسی کاملاً

ناجا، نیروی انتظامی، کماندوها و نهی از منکرات به زانو در آمدند اکنون ولی فقیه وارد گود شده است.

## زنان کل حکومت را نشانه گرفته اند

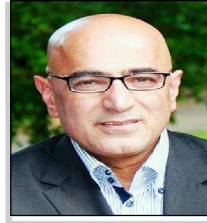
حسن روحانی يك روز پس از سخنان خامنه‌ای و در واقع در جواب به او در مورد جایگاه زن گفت: «طبق معیارهای اسلامی» «نه مرد جنس اول و نه زن جنس دوم است». «وی همچنین گفت که فرهنگ تبعیض علیه زنان پذیرفته نیست و زنان باید دارای فرصت‌های برابر و حقوق اجتماعی برابر باشند. حسن

از صفحه ۱

## نگاه هفته

مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان

نسان نودینان



که جنگیدن برای آزادی، برابری و عدالت اجتماعی در مناسبات سرمایه داری با زندان و شکنجه روبروست. وقتی که سرمایه حکمرانی می‌کند و برای استقرار و ادامه حاکمیتش ناگزیر قانون وضع می‌کند، طبیعی است که تلاش می‌کند تا صدای هر گونه اعتراضی را در نطفه خفه کند. سرمایه‌داران برای ادامه حیات خود پذیرای هیچ گونه حرکت اعتراضی نیستند. حتی زندانیان سیاسی که در چنگال این حاکمان سرمایه گرفتار آمده‌اند، خواب را از چشم سرمایه‌داران و محافظان تا دندان مسلحشان گرفته‌اند. هر گونه حرکت و صدای اعتراضی کارگران و مردم آزادیخواه، به صورت متشکل و یکپارچه، حاکمان سرمایه را به وحشت می‌اندازد. ضرب و شتم زندانیان سیاسی در زندان اوین بیانگر این واقعیت است. مقاومت زندانیان سیاسی در گوهر دشت و اوین ستودنی است و باید مورد بیشترین حمایت‌ها و پشتیبانی‌ها قرار گیرد. مقاومت زندانیان سیاسی در مقابل حاکمان سرمایه، یکبار دیگر این واقعیت را اثبات کرد که هر گونه حرکت و پیشروی به نفع جنبش ستمدیگان، مستلزم ایجاد تشکل و مبارزات متحد و یکپارچه است.

## آزادی پدرام نصراللهی از زندان

طبق گزارش رسیده، امروز شبه ۳۰/۱/۹۳ پدرام نصراللهی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری پس از تحمل ۱۹ ماه حبس تعزیری، از زندان مرکزی سنندج آزاد شد. آزادی این فعال کارگری با استقبال پرشور خانواده ی وی، فعالین کارگری و مردم شهر سنندج مواجه گردید. استقبال کنندگان با کف زدن های ممتد و با حلقه های گل از مبارزات و مقاومت های خستگی ناپذیر این فعال کارگری و

دیگر فعالین کارگری دریند قدردانی نموده، و با حضور پرشور خود، بار دیگر بر حقانیت مواضع و مبارزات جنبش کارگری و فعالین آن عرصه مهی دوباره گذاشتند. شایان ذکر است دوران حبس پدرام نصراللهی مقارن بود با مرگ مادر زحمتکش و زجر دیده اش، که تمامی عمرش را با درد و رنج حاصل از نابرابری های اجتماعی گذرانده، و آخرین روزهای حیات پر از محنتش را نیز در حسرت و وداع با فرزند دلبنسند و دریندش با افسوس گذرانده بود. به همین خاطر همه ی حاضرین با حضور بر مزار این مادر فداکار، و تجلیل از تمامی زحمات گرانقدرش در حمایت از فعالیت های فرزندش، دیگر باره با آرمان های وی و تمامی انسان هایی که دل در گرو رهایی انسان از قید مناسبات موجود دارند تجدید میثاق نموده، و سوگند یاد نمودند که تا تحقق دنیای آزاد و برابر، مبارزاتشان را پیگیرانه ادامه خواهند داد. حاضرین ابتدا با یک دقیقه سکوت به یاد تمامی جانباختگان راه آزادی و برابری مراسم را آغاز نموده، سپس با خواندن سرود انترناسیونال، سرود همبستگی جهانی طبقه ی کارگر آن را ادامه دادند. سپس چند نفر از حاضرین با ارائه ی سخنانی در ستایش از فداکاری های مادر اگرچه عبودی، نهایت سپاس طبقه ی کارگر را به پیشگاه این عزیز و دیگر مادران مبارز تقدیم نمودند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن شادباش به مناسبت آزادی پدرام نصراللهی به خانواده، دوستان و تمامی طبقه ی کارگر ایران، خواستار آزادی بدون قید و شرط تمامی فعالین کارگری و کارگران پیشرو همچون شاهرخ زمانی، رضا شهبایی، محمد جراحی، بهنام ابراهیم زاده، رسول بدغی، محمد مولانایی، واحد سیده، یوسف آبخراوات و دیگر فعالین عرصه های اجتماعی و سیاسی در اسرع وقت می باشد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

## اعتصاب کارگران شرکت ساختار صنعت یکی از شرکت های بیمانکاری پتروشیمی مهاباد!

این اعتصاب در روز چهارشنبه ۲۷ فروردین در ساعت ۱ بعدازظهر شروع شد حضور کارگران در این اعتصاب چشمگیر بود به طوری که تعداد کارگران بالغ بر ۲۰۰ نفر میشد این اعتصاب در ارتباط با پرداخت نشدن دستمزد کارگران در بهمن و اسفند ۹۲ و همچنین پرداخت نشدن سنوات وعیدی کارگران در سال جدید بود! مسیریان اعتراض از شرکت تا ساختمان کارفرما ی پتروشیمی بود لبعداز رسیدن، نماینده کارفرما پیش کارگران آمد و اعلام کرد که شنبه یا یکشنبه ۳۰ و ۳۱ فروردین دستمزد و کل پرداختی آنها واریز خواهد شد! امروز ۳۰ فروردین خبری از پرداخت نبود!

## اعتراض به افزایش نیافتن مزد کارگران خباز برای سومین سال متوالی

مجمع عمومی فوق العاده انجمن صنفی کارگران خبازی های سنندج و حومه عصر روز دوشنبه ( ۲۵ فروردین) برگزار شد و ۱۶۰ کارگر حاضر در آن با تصویب قطعنامه ای به افزایش نیافتن دستمزدهای شان برای سومین سال متوالی اعتراض کردند. در ابتدای این قطعنامه گفته شده است کارگران خباز قریب به ۳ سال است که از افزایش دستمزد برابر با ماده ۴۱ قانون کار محروم بوده و فشار اقتصادی، نرخ بالای مسکن، خوراک، پوشاک، تحصیل و... عرصه زندگی را برای شان سخت کرده است و وضعیت معیشتی ناشی از این شرایط تحمیل شده ادامه زندگی را به برای آنان به مخاطره انداخته است.

در بخش دیگری از این قطعنامه با اشاره به بی نتیجه ماندن پیگیری مطالبات و خواسته های قانونی نمایندگان صنف کارگران خباز از اینکه مسئولان مربوطه هیچگونه ترتیب اثری به این مطالبات ندادند، انتقاد شده است. کارگران خبازی های سنندج و حومه در این قطعنامه خواستار انجام اقدام عملی

و فوری مسئولان دولت یازدهم در خصوص به روز رسانی دستمزدهای کارگران خباز شده اند. (منبع ایلنا)

## تجمع کارکنان محیط زیست کردستان در اعتراض به ناعادلانه بودن حقوق و مزایایشان!

۲۵ فروردین: کارکنان اداره کل حفاظت محیط زیست استان کردستان در اعتراض به ناعادلانه بودن حقوق و مزایا در محوطه محل کار خود تجمع کردند. یکی از معترضان در تشریح علت این اعتراض گفت: حق فوق العاده ویژه کارکنان اداره کل حفاظت محیط زیست استان کردستان که معادل ۳۵ درصد از حقوق آنان است، از پایان خرداد ماه سال ۹۲ پرداخت نشده است. کارکنان اداره کل حفاظت محیط زیست استان کردستان از سال ۸۷ تا به امروز نزدیک به ۱۷۶ میلیون تومان حقوق و مزایای معوقه دارند.

## با اعتراضات کارگران "اشکان سازان غرب سنندج" نسبت به مزایا و دستمزدهای معوقه خود توسط کارفرمای این کارخانه از کار اخراج شدند.

۲۴ فروردین: ۸ نفر از کارگران اشکان سازان غرب سنندج، به نام های "سیروان حسینی، اسد ماه جبینی، شاهو تکاب، آرش عزیززی، عبدالله ماه جبینی، روناک پرگال، مهرداد و خبات" به دلیل اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده خود دست به اعتراض زدند، که با بی اعتنایی و تهدید کارفرما روبرو گشتند. در جریان تاکید کارگران بر خواسته های خود در نهایت از جانب کارفرما ۸ نفر از آنان اخراج شدند.

اطلاعیه شماره ۱۵ کمیته دفاع از کارگران دستگیر شده مهاباد - پیام تبریک محمد مولانایی، واحد سیده و یوسف آب خراوات به مناسبت اول مه! پیش به سوی اول ماه مه گسترده! پیام تبریک کارگران دستگیر شده مهاباد به مناسبت اول ماه مه

## کارگران زحمتکشان اول ماه مه در راه است!

اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز هبستگی طبقه کارگر علیه نظم سرمایه داری است. در این روز کارگران در یک صف به خیابانها خواهند آمد، تا علیه نظام سرمایه داری اعلام جنگ کنند. کارگران در این روز خواست و مطالبات خود را از طریق قطعنامه های مصوب شده به نظام سرمایه داری و حامیان آنان اعلام می کنند. در سال ۱۸۸۶ میلادی کارگران امریکا در شهر شیکاگو مورد حمله نیروهای دولتی قرار گرفتند. تعداد زیادی از کارگران کشته و زخمی شدند و رهبران اتحادیه های کارگری را دستگیر و محاکمه کردند. ۳ سال بعد، روز جهانی کارگر در انترناسیونال دوم، یعنی روز اول ماه مه، از جانب این سازمان بین المللی کارگران، به روز جهانی کارگر تبدیل شد و در سال ۱۸۹۰ به صورت گسترده ای در اغلب کشورهای دنیا، کارگران این مراسم را برگزار کردند. از آن پس کارگران در اکثر کشورهای جهان، در روز اول ماه مه یکپارچه به خیابان ها می آیند و خواست و مطالبات خود را فریاد می زنند. اما در ایران برگزاری این مراسم جرم است و کسانی که اقدام به برگزاری مراسم روز کارگر کنند با زندان و یا تبعید مواجه هستند. اما کارگران ایران هم چون کارگران جهان هیچ وقت مرعوب حاکمان نشده و به اشکال مختلف این روز را گرامی داشته و می دارند. کارگران، تشکل های کارگری؛ امروز در شرایطی به پیشواز اول ماه مه روز جهانی کارگر می رویم که نظام سرمایه داری ایران با استثمار بیشتر کارگران می خواهد سیاست نولیبرالی خود را بر بستر سرکوب بیشتر جنبش طبقه کارگر و نرمش در مقابل دولت های سرمایه داری، دنبال کند. بخشنامه های شورای عالی کار به وضوح نشان می دهد که با مصوب کردن دستمزد های به مراتب زیر خط فقر، سیاسی جز استثمار بیشتر نیروی کار برای برون رفت از منجلاب و بحران اقتصادی که خود بانی آن هستند، را تعقیب نمی کند آنها به سرمایه داران داخلی و خارجی چراغ سبز نشان می دهند و با این مصوبات آنان را دعوت می کنند که

سرمایه‌گذاری کنند و با سرکوب خشن نشان داده‌اند که حافظان خوبی برای سرمایه هستند. ما کارگران ایران در مقابل این بی حقوقی سکوت نخواهیم کرد و با هر شکل ممکن اعتراض خودمان را به اذهان عمومی می‌رسانیم. کارگران؛ در اول ماه مه روز جهانی کارگر، باید همراه با خانواده‌های خود در صف‌های فشرده به خیابان بیاییم و مطالبات خود را مطرح و برای تحمیل آن‌ها به سرمایه‌داران تلاش و مبارزه کنیم. به طور قطع خواست افزایش دستمزد و آزادی زندانیان سیاسی و کارگران زندانی سرلوحه خواست و مطالبات صنفی و سیاسی کارگران است. کارگران؛ قدرت ما در تشکل ماست و با اتکا به قدرت تشکل‌هایمان می‌توان هر خواست و مطالباتی ولو صنفی یا سیاسی را به سرمایه‌داران تحمیل کرد. اول ماه مه را به همه کارگران و اقشار ستمدیده جامعه تبریک می‌گوییم. محمد مولانایی، واحد سبیده و یوسف آب خرابیات ۲۶/۱/۹۳ زندان مرکزی مهاباد

### احضار و تهدید فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی در سنندج

طبق گزارش رسیده، طی روزهای اخیر، تعدادی از فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، همچون خالد حسینی، غالب حسینی، عباس اندریاری، سوسن رازانی، کوروش بخشنده و مجید حمیدی توسط اداره اطلاعات شهر سنندج احضار و مورد بازجویی قرار گرفته، و صراحتاً مورد تهدید بازجویان نیز قرار گرفته‌اند. شواهد ازین قرار

است که با نزدیک‌تر شدن به اول ماه مه و بغرنج‌تر شدن اوضاع اقتصادی و اجرای فاز دوم حذف یارانه‌ها، و احتمال شدن امکان بروز خیزش‌های عمومی، میزان فشار و تعرض دستگاه‌های امنیتی به فعالین کارگری و تشکل‌های کارگری نیز افزایش یافته است. شایان ذکر است در اوضاع و احوال سیاسی و اقتصادی‌ای که حاکمیت سرمایه در ایران با آن مواجه است، تشکل‌های کارگری و کارگران پیشرو که عملاً در تقاطع آینده قرار گرفته‌اند و مسیر و ماهیت مبارزات آبی و آبی‌طبقه‌ی کارگر را مشخص می‌نمایند، مورد بیشترین تهاجمات قهرآمیز عوامل سرمایه قرار گرفته و می‌گیرند؛ تا شاید بدین وسیله رسالت تاریخی و طبقاتی آنان را که الهام بخش حرکت‌های اعتراضی کارگران می‌باشد را با چالش مواجه نموده، و فرایند مبارزات توده‌ای را دچار گسست نمایند. کمیته هماهنگی ضمن پای فشاری مجدد بر تمامی مواضع برحق جنبش کارگری، و دفاع از فعالین آن عرصه، هر گونه تعرضی به صفوف کارگران پیشرو و تشکل‌های کارگری را محکوم نموده، و خواهان پایان بخشیدن به تهدید بازداشت و احضار کارگران و فعالین کارگری و تمامی عرصه‌های سیاسی و اجتماعی می‌باشد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ۲۳/۱/۹۳

### اطلاعیه شماره ۱۴ کمیته دفاع از کارگران دستگیر شده مهاباد - در حمایت از شاهرخ زمانی

آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و کارگران زندانی،

خواست ما کارگران است

کارگران، مردم آزاده و تشکل‌های کارگری: شاهرخ زمانی یک کارگر است. او مدت هاست که در زندانهای مختلف در ایران بسر می‌برد. شاهرخ زمانی کارگر آگاه و معترضی است که در مقابل سیستم سرمایه‌داری به مبارزه برخاسته و خواستار دنیای عاری از ستم و استثمار است. اما نظام سرمایه‌داری برای ادامه حاکمیت خود، این کارگر پیشرو و رزمنده را اسیر و زندانی کرده است. شاهرخ زمانی در مدت زمانی که در زندان به سر می‌برد، بارها از طرف مسئولان قضایی به زندان‌های متعدد تبعید شده و این در حالی است که در محکومیت ایشان تبعید در زندان وجود ندارد. با این وصف، مسئولان قضایی مکرراً "او را تبعید کرده و نهایتاً شاهرخ زمانی در اعتراض به این بی‌عدالتی، اقدام به اعتصاب غذا نموده است. ما اعضای کمیته دفاع از فعالین کارگری مهاباد، ضمن محکوم کردن قوه قضائیه در مورد سرنوشت یک انسان و سکوت این قوه در مقابل خواست برحق شاهرخ زمانی و نیز اعتراضات گسترده بین‌المللی، بر این باور هستیم که هر گونه اتفاق ناگوار بر عهده قاضی پرونده است و آن قاضی باید در یک دادگاه علنی به جرم قتل عمد دادگاهی و محاکمه شود.

خواست یک زندانی که در مقابل آن آماده است تا جان خود را از دست بدهد، بر گرداندن او به زندان اول است. این خواست خیلی مهم نیست تا قوه‌ای که خود را مستقل و داعیه‌داده‌ای مظلومان را دارد در مقابل جان یک انسان بی‌تفاوت باشد و در مقابل خواست یک کارگر زندانی مقاومت نکند.

قاضی پرونده شاهرخ زمانی، نیک می‌داند که در اثر استثمار

کارگرانی همچون شاهرخ به ثروت و سرمایه‌بادآورده دست یافته و خودکار و کاغذی که با آن حکم زندان و تبعید شاهرخ را امضا کرده است، از استثمار و حاصل رنج شاهرخ‌ها بدست آورده است. قاضی دادگاه با تکیه بر صندلی راحتی که از عرق و رنج کارگر بدست آورده است علیه خود کارگران بی‌محابا حکم صادر می‌کند. قوه قضائیه چرا باید در مقابل خواست شاهرخ زمانی اینچنین سکوت کند؟ راستی این چه رازی است که قاضی دادگاه و حامیان سرمایه از اعتراض یک کارگر آنچنان وحشت دارند که صدور حکم ۱۱ سال زندان کفایت نمی‌کند و او را مرتباً از این زندان به آن زندان تبعید می‌کنند؟ سرمایه‌داران و محافظانشان به خوبی درک کرده‌اند که قدرت نیروی متشکل توده کارگر، در این کشمکش طبقاتی، طبقه سرمایه‌دار و سیستمش را در هم می‌پسجد. تلاش برای ایجاد تشکل کارگری و فعالیت‌های شاهرخ زمانی دقیقین به این دلیل است که سرمایه‌داران را وادار کرده است که او را اسیر و حکم ۱۱ سال زندان برایش صادر کنند. سرمایه‌داران متشکل و سازمان یافته علیه کارگران می‌جنگند و توده کارگر نیز نیاز به تشکل و مبارزات منسجم و سازمان یافته دارد. کارگران باید بدون توهم در مقابل این همه بی‌عدالتی ایستاده و این دنیای نابرابر را تغییر دهند تا انسانها شاهد ذوب شدن جان انسانها نباشند.

ما خواستار آزادی بدون قید و شرط شاهرخ زمانی و کلیه کارگران زندانی هستیم.

### جانباختن سه کارگر در اثر نا امنی محیط کار

مسلم ساعدی اهل روستای "دویسه" در سنندج، میثم حمیدزاده اهل روستای "سوره" در سلماس و داریوش مصطفی‌زاده اهل روستای "کاسپی" در ارومیه سه کارگر جان باخته در حادثه‌ی کار فروردین ماه می‌باشند. این سه کارگر بر اثر سقوط از ارتفاع و برق‌گرفتگی جان خود را از دست داده‌اند.

### اعدام در زندان سنندج

۲۷ فروردین: یک زندانی به نام

"شاهو خدانی" را در سنندج به دار آویخته شد. شاهو حسینی اهل روستای "ژبین" از توابع شهرستان سروآباد بود، بنا بر ادعای مراجع قضایی رژیم به علت ارتکاب به قتل در شش سال قبل به اعدام محکوم شده بود.

### زانبار مرادی در بیمارستان ابن سینا تهران تحت عمل جراحی قرار گرفت.

زانبار مرادی زندانی سیاسی محکوم به اعدام، روز سه‌شنبه ۲۶ فروردین، از زندان رجایی شهر کرج به بیمارستان سینا در تهران منتقل می‌شود و در روز چهارشنبه ۲۷ فروردین ماه ۱۳۹۳، از ناحیه بیضه تحت عمل جراحی قرار گرفت. وی عصر دیروز شب ۳۰ فروردین به زندان رجایی شهر بازگردانده شده و اکنون در قرنطینه این زندان نگهداری می‌شود. زانبار مرادی در اثر شکنجه‌های جسمی و پی‌درپی در جریان بازجویی‌ها به شدت آسیب دیده و بارها درخواست درمان وی با کارشناسی مسولان زندان رویرو شده است. وی روز سه‌شنبه ۱۹ فروردین ماه ۱۳۹۳ نیز، در پی کارشناسی و ممانعت ماموران امنیتی زندان رجایی شهر از انتقال وی به بیمارستان، نامه‌ای منتشر کرد و در آن به غیرقانونی بودن اقدام مسولان این زندان و همچنین به حق برخورداری خود از درمان مناسب طی موافقت دادستان کل کشور مبنی بر اعزام فوری به بیمارستان تاکید کرده بود. پزشکان متخصص بیمارستان سینا پس از انجام معاینات و آزمایش‌های تخصصی به زانبار مرادی گفته‌اند که در یک ماه آینده وی نیاز حتمی به انجام عمل جراحی از ناحیه ستون فقرات خواهد داشت.

ملا صلاح ساکن پیرانشهر، چند روز قبل از سوی افراد ناشناس به قتل رسیده و روز گذشته یکم اردیبهشت‌ماه جسد وی پیدا شد. وی در روستاهای تابع پیرانشهر مشغول پارچه‌فروشی بوده و از سوی فرد یا افراد ناشناس به دلایل نامعلوم به قتل رسیده است. (منبع سایت کردپا)

## به یاد دوست عزیزم، شمال عبداللهی معروف به، جمال سردشت



پیشرو علیپور

متاسفانه امروز سه شنبه، ۱۵ آپریل، ۲۰۱۴ طی شنیدن یک خبر بسیار تلخ و باورنکردنی، با خبر شدم که دوست بسیار عزیزم شمال عبداللهی معروف به جمال سردشت، بعد از نزدیک به یک سال مبتلا به بیماری سرطان و مقاومتش در برابر آن و تلاش بی ثمر دکترها، برای همیشه ما را با این غم اندوه تنها گذاشت و مرگ بی رحم نگذاشت شمال عزیزمان بار دیگر به زندگی پر افتخارش ادامه دهد.

شمال عبداللهی فرزند یک خانواده زحمتکش بود که نزدیک به ۱۰ سال، سنین زیبای جوانی اش را در صفوف کومله و حزب کمونیست ایران سپری کرد و به چهره ای بسیار عزیز و دوست داشتنی و بیشتر از قبل تبدیل شده بود که بعدا به کشور انگلیس نقل مکان کرد.

شمال و یا همان جمال سردشت عزیزمان، در خانواده ای مبارز رشد کرد که پدر ایشان معروف به کاک عمر نیز، از انقلابیون و مبارزین و جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم

و صفوف کومله بود و در میان مردم و دوستانشان از محبوبیت و خوشنامی منحصر به فردی برخوردار بودند.

در صفوف کومله اغلب اوقاتم را با شمال سپری می کردم، راجع به موارد و مسائل مختلف با هم همیاری و مشورت می کردیم، همیشه کنار هم بودیم، شوخی و گپ زدن، بحث سیاسی و موارد بسیار زیاد از این قبیل، همیشه در بین ما موجود بود و شمال فردی کاملاً با اراده و قابل اتکا و اعتماد بود و فردی بود که در زمینه ورزش هم از جمله؛ شنا، فوتبال و والیبال استعداد خوبی داشت که در رشته والیبال هم در کردستان ایران و هم در اردوگاه کومله استعداد ویژه ای داشت که در بین رفقا و در این زمینه حرف اول را می زد....

گفتن و نوشتن در مورد شمال، به ساعتها زمان نیاز هست تا انسان بتواند چیکه ای از این همه عظم، استقامت و فداکاری را بازگو کند، چونکه قلب بزرگی داشت، از محبوبیت زیادی برخوردار بود، در میان هم سن و سالهای خودش، خصوصاً در منطقه آن سردشت و روستای بیژوه، یکی از اولین چهره های خوشنام و شناخته شده و مبارز بود.

یکی از بهترین خاطرات

سیاسی ام در دوران کومله، سال ۱۳۸۴ شمسی بود که به اتفاق شمال و دیگر دوستان برای ماموریت یک هفته ای کار سیاسی، عازم منطقه آن سردشت و منجمله اطراف سردشت و روستای سابقم بیژوه شدیم که با استقبال صدها تن از زن و مرد آزادیخواه آن منطقه روبرو شدیم و همین ماموریت کاری کرد که مردم امیدوار و خوشحال باشند و از طرف دیگر نیروهای نظامی جمهوری اسلامی منطقه به روستا به روستا دنبلمان بودند، اما این ماموریت هم که مسئولیت آن بر دوش شمال عزیز بود، با روحیه بالا و سرشار از امید و انرژی و بدون هیچ صدمه ای و با کلی دستاورد سیاسی، با موفقیت به پایان رسید.

غم از دست دادن شمال عزیز، برایم سخت و باور نکردنی بود، بطوری که در ۱۳، ۱۲، ۱۱ سالگی که از ایران خارج شده ام و بر علیه جمهوری اسلامی وارد عرصه سیاسی و مبارزه شده ام، دوست و آشناهای زیادی را از دست داده ام که غم از دست دادنشان برایم سخت و قابل تحمل بوده، اما مرگ نابهنگام شمال عزیز من را شوکه کرد، از یکسال گذشته تا حالا، غم وضعیت وخیم جسمی شمال عزیز را با خود حمل کرده ام، گرچه برایم سخت بوده، اما همیشه امید وار بودم، برایم قابل هضم نبوده که شمال عزیز را از دست دهیم، به مغزم

خطور نمی کرد که روزی در هوای برفی سرد کانادا، خبر مرگ نابهنگام شمال را بشنوم، همیشه امید داشتم که به زودی به زندگی زیبا و پر افتخارش بر می گردد و کاش ۶، ۷ ماه قبل موقعی که همسرش فریده تماس گرفت و وضعیت وخیم جسمی شمال را برایم بازگو کرد فقط یک خواب تلخ بود.

غم از دست دادن شمال برایم بسیار سنگین بوده و هست، چونکه شمال یک اسم نبود، یک کوه بود، روستای مبارز بیژوه و منطقه آن سردشت بود! و متاسفانه این یک فاجعه بزرگی بود که بدون شک این خبر دردناک بخشی از مردم شهر سردشت، منطقه آن سردشت و روستای بیژوه و کردستان عراق و اروپا را در بر می گیرد، محبوبیت شمال به وسعت و عمقی دریاها بود و همه ما یکی از بهترین و عزیزترینمان را از دست دادیم.

یادم هست که ۷، ۸ سال قبل و در اردوگاه کومله و حزب کمونیست ایران، شمال به من گفت باید مردم متحد منطقه آن و خصوصاً روستای بیژوه را متحد تر کنیم و اگر انقلابی صورت گرفت مردم سازماندهی شده باشند و خودش گفت که من بخشی از این مسئولیت را متحمل می شوم، اما شمال عزیز در سنین ۳۵، ۳۶ سالگی و در اوج ناباوری، مرگ بی رحم سراغش را گرفت و برای همیشه ما را تنها گذاشت.

اما بدون شک خاطرات شیرین و فداکاریهای شمال عزیز برای همیشه در وجود من و صدها تن از دوستان و عزیزانش باقی خواهد ماند و مبارزات پیگیر و پر از نیل به آزادی اش و رهای مردم ایران و کردستان از دست رژیم جانی و جنایتکار اسلامی سر مشق نسل جوان امروز قرار خواهد گرفت و بدون شک یاد و خاطره شمال عزیز معروف به جمال سردشت، در اذهان عموم باقی خواهد ماند و همیشه و هر سال و در فدای آزادی ایران و کردستان، یاد و خاطره پر افتخار شمال عبداللهی، دوست عزیز و گرانقدرم را همراه با زنان و مردان آزادیخواه و انسانهای کارگر و زحمتکش گرامی می داریم.

به سهم خودم این فاجعه دردناک را به خانواده عزیز شمال و خصوصاً به دایه پیروز، فواد، امید پویا معروف به امید عبداللهی و بقیه، خانواده اش، به همسر عزیزش فریده و فرزندان خردسال شان اوژین و مارین، همچنین به دوستان و آشنایان و مردم مبارز سردشت، منطقه آن سردشت و روستای بیژوه تسلیت می گویم، خود را در غم و اندوه از دست دادن شمال عزیزمان سهیم می دانم.

یاد شمال عبداللهی معروف به جمال سردشت گرامی باد.

پیشرو علی پور

از صفحه ۵

## ولی فقیه ...

روحانی در ادامه به نقش آیت الله خمینی به عنوان کسی که «زن را از گوشه خانه با حجاب و عفت به جامعه» آورد یاد کرد.

خامنه ای در سخنان روز شنبه ۳۰ فروردین خود: «بر» آفریده شدن طبیعت الهی زن برای منطقه ویژه ای» تاکید گذاشت و نتیجه گرفت «برابری جنسی زن و مرد غلط است و مسئله زن جدا از خانواده نیست و باید از افکار غربی نظیر اشتغال و برابری جنسی کاملاً فاصله گرفته

اندیشند. شاخ و شانه کشیدن سران حکومت در برابر هم، انعکاس پر رنگ حضور زنان در عرصه نبرد اجتماعی علیه کل حکومت اسلامی است.

برگرفته از ( ژورنال روزانه ۲۰ و ۲۱ آوریل ۲۰۱۴ )

خانه نشین کنند اما توفیق چندانی نیافتند. اکنون دیگر زنان به سخنان حسن روحانی فقط نمی خندند بلکه با گسترش الگوهای مدرن غربی و در محمه قرار دادن روحانی، ولی فقیه و دیگر سران نظام، برای خلاصی از شر حکومت می

عمر جمهوری اسلامی برای زنان، از خمینی تا امروز، روبرو شدن با اسید پاشی، زندان، نهی از منکر، ناجا و خواهر کماندوهای سیاه پوش بوده است. کافی است به موقعیت زنان در ادارات و دانشگاه ها و خیابان و خانه طی همین دوره کوتاه صادرات «دولت تدبیر» روحانی نیم نگاهی شود تا عمق ضدیت عملی ایشان با حق و حقوق زنان مشاهده گردد.

حسن روحانی جام قهرمانی دروغ را بر پیشانی خود خالکوبی کرده است چرا که خمینی و میراث دارانش از ابتدا تا به امروز تلاش کردند زنان را برای بردگی جنسیتی،

## صفحه بندی: فرزام کرباسی

تلفن و ای مایل آدرسی تماس با سردبیر  
Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com  
همکار نشریه ایسکرا: فرزام کرباسی  
E-mail: farzam.karbasi@gmail.com

# سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!